

The Investigation of Aniranian Turani Men Services to Iranians Based on *Shahnameh* and Iranian Ancient Texts

Farnaz Zakerhaghighi¹, Katayoun Namiranian²

¹ Ph.D student of Ancient Iranian Culture & Languages, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: zakerhaghighi.fa@ut.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Ancient Iranian Culture & Languages, Shiraz University, Shiraz, Iran.
(Corresponding Author). E-mail: katayoon.namiranian@saadi.shirazu.ac.ir

Abstract

Ethics has its roots in the deepest beliefs of human beings. Many ancient Iranian texts emphasize the importance of adhering to ethical principles. In Iran's mythological and epic narratives, we find examples of foreign enemies who, despite being in conflict with Iranians, chose to assist them. This study refers to such individuals as "Aniranians" and aims to explore the reasons behind their assistance, asking whether ethical values and good intentions played a role in their decisions and to what extent. This research is a theoretical one, based on a library method, using sources such as ancient Iranian texts and Ferdowsi's *Shahnameh*. It focuses on Turanian Aniranians, who are lesser-known compared to other heroes in these stories, yet are selected from both ancient texts and the *Shahnameh* for examination. These Aniranian figures, who helped Iranians in various situations, sometimes acted out of personal gain or interest. However, the study reveals that the majority of them were motivated by a desire to preserve ethical values. These individuals range from mythical figures like Afrasiab, who provided indirect support to Iranians through his political power, to characters like Aghriras and Piran, who acted out of chivalry and moral principles. Ultimately, the analysis of these characters' hidden motives suggests that observing and emulating the noble virtues of the Iranians may have inspired the Aniranians to perform such honorable and altruistic deeds.

Keywords: mythology, Iranians, Turanians, services, seeking Truth, *Shahnameh*, ancient texts of Iran, Epic texts

Receive Date: 23 October 2024	Revise Date: 12 March 2025	Accept Date: 28 March 2025
How to Cite: Zakerhaghighi, F. and Namiranian, K. (2024). The Investigation of Aniranian Turani Men Services to Iranians Based on <i>Shahnameh</i> and Iranian Ancient Texts. <i>Ancien Culture and Languages</i> , 4(2), 171-192		
Publisher: Yadegare Bastan Research Center for Ancient Culture and Languages		

خدمات مردان انیرانی تورانی به ایرانیان برمبنای شاهنامه و متون باستانی ایران

فرناز ذاکر حقیقی^۱، کتایون نمیرانیان^۲
^۱دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. zakerhaghighi.fa@ut.ac.ir
^۲استادیار گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول).
katayoon.namiranian@saadi.shirazu.ac.ir

چکیده

اخلاق ریشه در ژرف‌ترین بخش باورهای انسانی دارد. بسیاری متون باستانی ایران بر رعایت اصول اخلاقی تأکید دارند. در روایات اسطوره‌ای و حماسی ایران، برخی دشمنان بیگانه علی‌رغم تقابلی که با ایرانیان داشتند، برای یاری آنها قدم برداشته‌اند؛ در راستای اقدامات این بیگانگان که در این پژوهش با عنوان «انیرانیان» بررسی می‌شوند، این پرسش مطرح می‌شود که دلیل این یاری‌رسانی‌ها چه بوده و چقدر پیروی از موازین اخلاقی و مقاصد خیرخواهانه در تصمیم ایشان مؤثر بوده‌است؟ این پژوهش، مطالعه‌ای مروری است که به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. منابع مورد بررسی آن، برخی متون باستانی ایران و نیز شاهنامه فردوسی است، که منابعی قابل اطمینان در مورد روایات کهن اسطوره‌ای و حماسی ایران می‌باشند. در این پژوهش آن دسته از مردان انیرانی تورانی بررسی شده که در برخی موارد، نسبت به سایر قهرمانان، کمتر شناخته شده‌اند. اما اقداماتی بس نیک و درخور توجه انجام داده‌اند. اساس تصمیمات انیرانیانی که در موقعیت‌های مختلف، به نحوی در مواجهه با ایرانیان تصمیم به یاری آنان گرفته‌اند، گاهی منافع و خواست فردی را نیز در برمی‌گیرد، اما انگیزه بیشترشان زنده نگه داشتن ارزش‌های اخلاقی است. این افراد یا شخصیت‌هایی مانند افراسیاب‌اند که در گستره قدرت‌های سیاسی، و غیر مستقیم به ایرانیان خدماتی کردند، و یا کسانی چون اغریث و پیران که از روی موازین جوانمردی و اخلاقی به ایرانیان یاری رسانیدند. در نهایت با تحلیل و بررسی انگیزه‌های پنهان هر شخصیت، برای خدمت به ایران، می‌توان گفت که چه بسا مشاهده و الگوبرداری از اخلاق نیک ایرانیان، انیرانیان را به چنین اقدامات نیک و خیرخواهانه‌ای واداشته است.

کلیدواژه‌ها: اسطوره، ایرانیان، تورانیان، خدمات، راستی‌جویی، شاهنامه، متون باستانی ایران، متون حماسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۸
استناد به این مقاله: ذاکر حقیقی، ف. و نمیرانیان، ک. (۱۴۰۲). خدمات مردان انیرانی تورانی به ایرانیان برمبنای شاهنامه و متون باستانی ایران. پژوهشنامه فرهنگ و زبان‌های باستانی، ۴(۲)، ۱۷۱-۱۹۲		
ناشر: مؤسسه پژوهشی فرهنگ و زبان‌های باستانی یادگار باستان		

۱. مقدمه

تاریخ سرزمین‌ها راوی حکایت‌های بسیاری از کسانی است که در جایگاهی به سرزمین‌شان پشت کرده و با پیوستن به کشور مقابل گامی در راستای پیروزی دشمن بر بومشان برداشته‌اند، اما بدیهی است که خیانت در هر سرزمین و فرهنگی همواره مذموم و مورد نکوهش است. عامل پیش‌برنده و انگیزه بیشتر این خیانتکاران، عمدتاً وعده‌هایی چون پست و مقام، مال و ثروت و در مواردی کین‌خواهی فردی بوده که مورد ظلم پادشاه وقت یا آن حکومت برپا، قرار گرفته و به دنبال آن کمر به برچیدن بنای ظلم و جور آن حکومت بسته بوده‌اند.

اما در رابطه با افرادی، که در این پژوهش با عنوان یاری‌دهندگان ایران در جایگاه دشمن بررسی می‌شوند، نکته درخور توجه این است که نه تنها این افراد در پی کسب جایگاه و مقام والا یا مال و ثروت نبوده‌اند و وعده‌ای از جانب ایران به آنها نرسیده بوده، بلکه هرکدام‌شان به سبب یاری‌رسانی به ایران و پشت کردن به سرزمین خود غرامت‌های سنگینی نیز پرداخته‌اند. حال پرسش آن است که چه عواملی سبب می‌شود که فردی تصمیم می‌گیرد تا بدون در نظر داشتن منافع شخصی و دریافت هیچ‌گونه سود مادی و هیچ مقامی، به کشورش پشت کند، در راستای پیروزی و کمک به سپاه مقابل گام بردارد و تمامی عواقب و تاوان‌های سخت این ماجرا را به جان بخرد؟ از میان بی‌شمار نبردهایی که تاریخ ایران به خود دیده است، بسیاری در راستای دفاع از سرزمین بوده‌اند؛ یعنی هنگامی که بیگانه قصد دست‌یازی به خاک ایران را داشته و یا در مواردی که جنگ بر سر دین بوده، ایران به مقابله با دشمن برخاسته و درگیر نبرد شده است. در فرهنگ ایران باستان که بر بنای دینی با ایدئولوژی راستی‌جویی و شعار «راه در جهان یکی است و آن راه راستی است»^۱ بناشده، چندان دور از ذهن نیست که فردی از جامعه دشمن در برابر ظلم و جور کشورش برخیزد و دست یاری به سوی کشور مقابل دراز کند. البته به شرط آنکه یاری‌رسان قلب و جانش به قدر دیگر صاحب منصبان سرزمینش به سیاهی و تاریکی آلوده نشده و اندک نور حقیقتی در وجودش هم چنان روشن و درخشان باشد. شخصی چون اغریث، فرزند پشنگ و برادر افراسیاب، از سرزمین توران که از نمونه‌های شایسته این گروه است.

راستی و عدالت به‌قدری در فرهنگ ایرانی ریشه‌دار بود که فارغ از اینکه، فرد پیرو کژی، ایرانی بود یا غیرایرانی، هم‌خون بود یا بیگانه، هر جا که نشانه‌ای از ظلم و جور دیده می‌شد، باید علیه آن اقدام می‌کردند. همچون داستان سیاوش در مقابل پدرش کیکاووس. در نبردی درگرفته میان

^۱ یسنای اوستا، بند ۱۱ یسن ۷۲

ایران و توران، سیاوش پس از بستن پیمان صلح با توران حتی به درخواست پدر هم پیمان نمی‌شکند و در راستای حفظ پیمان مجبور به ترک دیار و پناه‌بردن به توران می‌شود. این داستان نشان از آن دارد که فرمان یزدان، عمل به راستی و صداقت و وفای به عهد بر فرمان هرکس دیگری حتی پدر، پادشاه و دیگران ارجح است و این یک اصل انسانی است. به راستی که معیار سنجش ما راستی است. راستی واژه‌ای است که در متون باستانی به تکرار از آن یاد شده است.

همان‌طور که دربند دوم مهریشت /وستا آمده است:

«ای اسپیتمان [زرتشت]، تو نباید مهر و پیمان بشکنی، نه آن (پیمانی که) تو با یک دروغ پرست و نه آن که تو با یک راستی پرست بستنی، زیرا معاهده با هردو درست است، خواه دروغ پرست و خواه راستی پرست»^۱ (پورداود، ۱۳۹۴، صص. ۳۱۷-۳۱۸).

در بررسی فرهنگ‌ها باید به دو پدیده توجه داشت: یکی آن دسته مسائل فرهنگی که نزد همه اقوام بشری، هرچند با اختلاف‌های خاص هر محل، عمومیت دارد و زاینده طبیعت مسلط بر انسان و کیفیات مادی و معنوی مشترک میان همه جوامع انسانی است و دیگری آن دسته مسائل فرهنگی که در پی وجود ارتباط‌های متنوع مادی و معنوی میان اقوام، از قوم یا اقوامی به قوم یا اقوامی دیگر می‌رود و متناسب با شرایط محیط تازه شکل می‌گیرد (بهار، ۱۳۹۷، صص. ۳۴۴-۳۴۵).

وجود نیازهای مشترک و شباهت مواردی که در شکل‌گیری مفاهیم اخلاقی در فرهنگ‌های مجاور مؤثرند، کماکان راهی برای تأثیرپذیری مردمان همسایه از یکدیگر را فراهم می‌آورد. برای مثال ارزش و جایگاه خانواده، مذمت دروغ‌گویی و مدح صداقت، تلاش برای یاری دیگران، نیاز به آزادی و عدالت و بسیاری موارد همسان دیگر، از جمله سرمشق‌هایی بود برای ارزش‌های کسانی که به قصد بیداری به افق‌های دورتری از انسانیت می‌نگریستند.

تعمیم آنچه گفته شد به موضوع این پژوهش از دلایل مهمی است که می‌توان از آن در راستای علت‌جویی اقدامات انیرانیان به کشوری که در بسیاری موارد همواره دشمن دیرینه‌شان به‌شمار می‌آمده، یعنی ایران، بهره جست. پژوهش پیش رو کوششی است برای معرفی و بررسی برخی از شخصیت‌های انیرانی (مردان تورانی) که در موقعیت‌های مختلف و در جایگاه یکی از اعضای سرزمین مقابل، که به نحوی در مواجهه با ایران است، تصمیم به جانبداری از ایران گرفته و در این راستا کمک و خدماتی به شاه، سپاه، یا نماینده ایرانی داشته‌اند و حتی برای برخی به قیمت

^۱ از دروغ‌پرست و راستی‌پرست، موحد و مشرک مقصود هست.

جانشان تمام شده است.

۲. مفاهیم نظری

۲-۱. حماسه و شاهنامه

حماسه‌ها که از سنت شفاهی نشئت گرفته‌اند، معمولاً به نظم روایت می‌شوند و به بازگویی حوادث گذشته یک قوم پرداخته و تمرکز آنها بر دلاوری‌های قهرمانانی است که از سرزمین خود دفاع کرده و سرزمین‌های بیگانه را فتح می‌کنند (بهار، ۱۳۹۰، صص. ۲۷۳-۲۷۵).

شاهنامه منبع اصلی روایت‌های اساطیری و حماسی ایران به زبان پارسی به شمار می‌آید و بر اساس خداینامه‌ها سروده شده است. در شاهنامه می‌توان روایت‌های سینه به سینه حفظ شده و سنت‌های شفاهی را که از قول «دهقان» نقل می‌شود نیز ملاحظه کرد. ویژگی شاهنامه این است که روایت‌های گوناگون را با هم تلفیق می‌کند و از این رو شخصیت‌هایی در آن دیده می‌شوند که گاهی برای اوستا و منابع پهلوی ناشناخته‌اند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که روایت‌های ملی در دوره متأخر ساسانی در راه تکامل و توسعه سیر می‌کرده و در شاهنامه فردوسی به صورت کنونی خود در دسترس ما قرار گرفته است (آموزگار، ۱۳۹۷، ص. ۹).

لازم به ذکر است، از میان نسخه‌های شاهنامه که در دسترس است، این پژوهش براساس نسخه چاپ مسکو انجام گرفته است و ابیات برگزیده، به این نسخه ارجاع داده شده است.

۲-۲. فرضیه پژوهش

در ارتباط با انیرانیانی که در این پژوهش بررسی می‌شوند، در برخی موارد، الگوبرداری از اخلاق گرایی ایرانیان و نیز تلاش برای فرارگیری در جبهه نیک، از عوامل اصلی برانگیزاننده یاری‌رسانان انیرانی در کنار موارد دیگری چون منافع شخصی و ترس از جان است.

۲-۳. پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه هیچ پژوهش مستقلی به طور جامع و یکپارچه به بررسی نقش و خدمات مردان انیرانی تورانی به ایرانیان بر مبنای شاهنامه و متون باستانی نپرداخته است، این تحقیق به گردآوری و تحلیل اطلاعات پراکنده و مطالعات جزئی مرتبط با جنبه‌های مختلف موضوع پرداخته است. در واقع، پژوهش حاضر تلاش دارد مفاهیم اساطیری، اخلاقی، تاریخی و جغرافیایی را در

یک چارچوب تحلیلی جدید مورد بررسی قرار دهد. در ادامه، مروری بر پژوهش‌های شاخصی که به بخش‌هایی از این موضوع پرداخته‌اند، ارائه می‌شود:

۲-۳-۱. مفاهیم اخلاقی و اساطیری در متون باستانی

در متون باستانی ایران، به‌ویژه در *اوستا*، مفاهیمی چون *اشه* (راستی‌جویی و نظم جهانی) جایگاه ویژه‌ای دارند. پژوهش‌های زیادی به تحلیل این مفاهیم پرداخته‌اند، از جمله: پورداد (۱۳۹۴) بخش‌های مختلف *اوستا* را گردآوری و ترجمه کرده است که در آنها می‌توان به بررسی مفهوم راستی‌جویی (*اشه*) و جایگاه شخصیت‌های مورد بحث در پژوهش حاضر پرداخت. کنت (۱۹۵۰) در ترجمه کتیبه‌های پارسی باستان، به مفاهیم اخلاقی مرتبط با نظم و عدالت اشاره کرده که از مهم‌ترین عناصر فکری در سنت زرتشتی محسوب می‌شوند. آموزگار (۱۳۹۷) به تحلیل مفاهیم اساطیری و جایگاه شخصیت‌های شاهنامه در سنت زرتشتی پرداخته است.

دبیر، طبسی و رادفر (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با تمرکز بر مضامین اخلاقی در *اوستا* و *شاهنامه*، تلاش می‌کنند تا شباهت‌های مفهومی این دو اثر را از نظر آموزه‌های تعلیمی و انسانی تحلیل کنند. با این وجود، این تحقیق با تمرکز بر مفهوم *اشه* در متون مختلف و چگونگی تأثیر آن بر فرهنگ ایران باستان، تحقیقات پیشین را به طور مستقیم تکمیل می‌کند و جنبه‌های نوین و تحلیلی به آنها اضافه می‌کند.

۲-۳-۲. تأثیر اندیشه‌های زرتشتی در ادبیات فارسی

شاهنامه فردوسی از نظر مفاهیم اخلاقی و فلسفی، وام‌دار اندیشه‌های زرتشتی است که در پژوهش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته‌اند: سرامی (۱۳۶۸) در بررسی شکل‌گیری داستان‌های *شاهنامه*، مفاهیمی همچون جنگ، عشق، خیانت، و جایگاه اجتماعی شخصیت‌ها را تحلیل کرده و ردپای اندیشه‌های زرتشتی را در آنها نشان داده است.

مسکوب (۱۳۷۵) پژوهشی گسترده در باب اخلاقیات، عناصر نمایشی، و تعبیر عرفانی در *شاهنامه* ارائه داده و به تحلیل تأثیر آموزه‌های زرتشتی در این اثر پرداخته است.

خدمات مردان انیرانی تورانی به ایرانیان بر مبنای شاهنامه و متون باستانی ایران ۱۷۷

مهجوری، استاجی، غلامی و میرنژاد (۱۳۹۷) با بررسی آموزه‌های اخلاقی اندرزهای مینوی خرد، نشان می‌دهند که چگونه مفاهیم تعلیمی این متن پهلوی در قالب حکمت عملی در شاهنامه بازتاب یافته‌اند.

این تحقیق در این زمینه به‌ویژه در راستای مطالعه و بررسی دقیق‌تر ساختارهای اخلاقی در شاهنامه و اسطوره‌های ایرانی به طور خاص، فضای جدیدی را در پژوهش‌های موجود فراهم می‌آورد.

۲-۳-۳. واژه‌نامه‌ها و پژوهش‌های زبانی و اساطیری

برای درک عمیق‌تر مفاهیم اساطیری و فرهنگی ایران باستان، واژه‌نامه‌ها و پژوهش‌های زبانی بسیار اهمیت دارند:

یوستی (۱۸۹۵) در واژه‌نامه خود به معرفی نام‌های ایرانی پرداخته و توضیحاتی درباره شخصیت‌های اساطیری ارائه داده است.

بارتولمه (۱۹۶۱) در واژه‌نامه ایرانی باستان، به بررسی ریشه‌شناسی واژه‌های اوستایی و تحلیل مفاهیم اساطیری پرداخته است که با وجود قدمت آن، همچنان از منابع معتبر محسوب می‌شود. مکنزی (۱۹۷۱) در واژه‌نامه فارسی میانه (پهلوی)، معنای واژه‌های مرتبط با متون اساطیری و حماسی را ارائه داده که به درک بهتر متون پهلوی کمک می‌کند.

این تحقیقات پیشین از لحاظ واژه‌شناسی و تحلیلی دقیق، مهم‌اند، اما پژوهش حاضر به‌ویژه در مورد تأثیرات واژه‌های خاص بر روند روایت‌های تاریخی و اساطیری جدید است.

۲-۳-۴. بررسی جغرافیای ایران و انیران در متون ایرانی

یکی از موضوعات مهمی که در متون ایرانی به‌ویژه بندهشن و شاهنامه بررسی شده، جغرافیای ایران و انیران (سرزمین‌های دشمن) است:

بهار (۱۴۰۰): ترجمه‌ای از بندهشن که به بررسی جغرافیای ایران و نواحی انیران و معرفی شخصیت‌های مرتبط با این جغرافیا پرداخته است.

سیدی فرخ (۱۴۰۳) در کتاب فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه به شناسایی و تحلیل مکان‌های جغرافیایی آمده در شاهنامه پرداخته و نقش این مکان‌ها را در ساختار روایی و اسطوره‌ای اثر بررسی کرده است این پژوهش با تمرکز خاص بر بررسی تأثیر جغرافیا در ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران باستان، می‌تواند این بخش از پژوهش‌های قبلی را گسترش دهد.

۲-۳-۵. نوآوری پژوهش

با توجه به نبود پژوهش مستقیمی که تمام این مفاهیم را در کنار هم بررسی کرده باشد، تحقیق حاضر رویکردی نوین ارائه می‌دهد. این پژوهش با گردآوری و تحلیل داده‌های پراکنده از منابع مختلف، تصویری جامع از خدمات مردان انیرانی تورانی به ایرانیان ارائه کرده و به این ترتیب، بُعدی جدید به مطالعات پیشین می‌افزاید.

۳. بحث در مورد مفاهیم اصلی

۳-۱. راستی‌جویی و عدالت‌خواهی در متون باستانی ایران

سه مرجع مهم متون باستانی ایران شامل کتیبه‌های فارسی باستان، متون اوستایی و دینی زرتشتیان و متون پهلوی دوران میانه امروزه در دسترس‌اند. محتوای متون و کتاب‌های دینی زرتشتیان بیشتر مسائل دینی است که اندرزنامه‌های پهلوی بخشی از این متن‌ها به شمار می‌آیند. به باور مزداپور قدیمی‌ترین ادبیات اندرزی در کتیبه‌های هخامنشی را می‌توان در کتیبه بیستون یافت که در آن داریوش بزرگ به جانشینان و افراد خود سفارش می‌کند که از فرد دروغ‌گو و ستمگر به دور باشند (مزداپور، ۱۳۸۷، ص. ۲۵).

اگرچه در متون باستان تأکید ویژه‌ای بدین امور شده، با این حال شواهدی از این موارد در دوران میانه (متون پهلوی) بسیار بیشتر است. بنابر شواهد متنی پرتعداد از زمان ساسانیان، ایرانیان به سخنان و نوشته‌هایی که محتوای پندآمیز و اخلاقی داشتند، علاقه فراوانی نشان می‌دادند. کتاب *اوستا* نمونه ارزشمند از این گونه سخنان است. در این دوره گفتارهای حکمت‌آمیز و اندرزها به قدری مورد توجه بوده که این گفتارها، افزون بر کتاب‌ها، در حاشیه لباس‌ها، فرش‌ها، در میان ظروف و سنگ‌نوشته‌ها نیز به چشم می‌خورند (میرفخرایی، ۱۳۹۳، صص. ۵-۶).

۳-۲. معرفی ریشه و پیشینه واژه انیران

اشاره مستقیم عنوان پژوهش به واژه «انیران» ایجاب می‌کند تا نخست به توضیح و تفسیر این جای‌نام پرداخته شود.

انیر / IIIII / «خوی زشت و طبیعت بد را گویند»، از ایرانی باستان: an-airya «غیر ایرانی» (پارسی میانه: an-IIIII که مراد از آن کشورهای غیر ایرانی است)، معادل نیران nnnnnn «جز ایران، خارج از ایران» (حسن‌دوست، ۱۳۹۴، ص. ۳۲۰).

مکنزی نیز این واژه را «غیر ایران، جهان آن سوی ایران» ترجمه می‌کند و به دنبال آن واژه nnnnn

به معنای غیر آریایی و بی‌اصل می‌آورد (MacKenzie, 1971, p. 9).
اشارات به این واژه در متون ایرانی باستان به این صورت است: در بند ۹ هات ۷۱ یسنای/اوستا مستقیماً به واژه انیران اشاره شده و آن را می‌ستاید.
در متون کتیبه‌ای دوره میانه در کتیبه شاپور یکم در نقش رستم شاه خود را «شاهان شاه ایران و انیران» می‌نامد.
در آثار کتابی دوره میانه، مانند متون مینوی خرد، گزیده‌های زادسپرم، زند و هومن یسن، ماه فروردین روز خرداد از این واژه استفاده شده است.
اشارات به این واژه در متون نشان می‌دهد که انیرانیان، غیر ایرانیانی بوده‌اند که در سرزمین‌هایی خارج از مرز جغرافیایی تعریف‌شده برای ایران می‌زیستند. این در حالی است که در مواردی چون متن دادستان دینیک از این واژه برای اشاره به افرادی که دین غیر ایرانی دارند نیز استفاده شده است.

در شاهنامه فردوسی نام‌های سرزمین‌ها در دو دسته ایران و انیران جای می‌گیرند. از میان سرزمین‌های انیرانی شاهنامه، مهمترین سرزمین توران است که از بزرگترین و دیرینه‌ترین دشمنان ایران است و رویدادهای میان آن کشور و ایران بخش قابل توجهی از شاهنامه را در بر می‌گیرد.

۳-۳. بررسی سیر داستان شخصیت‌های یاری‌رسان

شخصیت‌های انیرانی اسطوره‌ای و تاریخی یاری‌رساننده به ایران، در دو گروه کلی دسته‌بندی می‌شوند:

۱- یاری‌رسانان در قلمرو حکومت، قدرت سیاسی و نظامی شاهان.

۲- یاری‌رسانان در روابط اجتماعی و خانوادگی و عشق.

گروه اول مردانی انیرانی‌اند که عمدتاً در موارد سیاسی-حکومتی در زمانی که میان ایران و سرزمین ایشان جنگ یا درگیری وجود داشته، به ایران خدمت و یاری رسانده‌اند. گروه دوم بانوانی‌اند که در گستره روابط خانوادگی و عشق اقداماتی داشته‌اند. در این پژوهش تنها به بررسی مردان تورانی از گروه نخست پرداخته شده است.

در ادامه شخصیت‌های مردان تورانی، به ترتیب اهمیت جایگاه سیاسی و میزان قدرت هر یک در این سرزمین، بررسی می‌شوند. باید در نظر داشت که بعضی از موارد یاری‌رسانی خودآگاه و برخی ناخودآگاه است.

۳-۳-۱. تورانیان

بخش دیگری از اقوام آریایی که خود شاخه‌ای از اقوام ایرانی‌اند، به نام سکان (=سکاپان) در سده‌های هشتم و هفتم پ.م. از شمال آسیای میانه برخاستند و به قفقاز و شمال دریای سیاه در غرب و به سرزمین‌های جنوب سیبری تا نزدیک دریاچه بایکال، در شرق و به سرزمین جنوبی آسیای میانه حمله‌ور شدند و قادر گشتند تا در جنوب روسیه امروزی دولتی عظیم پدید آورند که بازمانده آن تا قرن دوم پ.م. در شبه‌جزیره کریمه برجای ماند. گروه‌هایی از ایشان در آغاز عصر مدها از طریق قفقاز به غرب ایران حمله کردند. گروه‌هایی از ایشان که در ماوراءالنهر بودند با هخامنشیان درافتادند و مرگ کوروش را باعث شدند و خاطره تلخشان در یاد ما به صورت «تورانیان» در *شاهنامه* فردوسی بازمانده است (بهار، ۱۳۹۷، ص. ۳۹۰؛ پورداود، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۴).

الف) افراسیاب: افراسیاب، شاه-پهلوان نامدار تورانی و بزرگ‌ترین دشمن ایرانیان در *شاهنامه* مدت‌هاست که در منابع اساطیری - حماسی ایران از او در کنار شه‌یاران و یلان ایران‌زمین سخن رفته است. یوستی او را چنین معرفی می‌کند:

افراسیاب/ فراسیاک: پادشاه توران که به دست هوم گرفتار شد و توسط کیخسرو به انتقام خون پدرش سیاوش کشته شد. پادشاهی زیان‌بار که در متون پهلوی پورسراسیاک، در *کارنامه* فراسیاک، در *مینوی خرد* فراسیاف، در *دینکرد* و *پازند فراسیاک* نام دارد (Justi. 1895. p. 103). افراسیاب (به معنی شخص هراسناک) یا فراسیاب مدت‌ها با شاهان و پهلوانان ایرانی نبرد کرد. نام پدرش پشنگ بود و نژادش به تور (یکی از سه پسران فریدون) می‌رسید (یاحقی، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۵). روزگار پادشاهی او، از دوران کامروایی اهریمن است. پیمان مشهور بین ایران و توران که بنا به بسیاری روایات، آرش به‌موجب آن با پرتاب تیری مرز دو کشور را معین کرد، در زمان افراسیاب روی داد.

افراسیاب و اقدامات زیان‌بار او بر ایران‌زمین برکسی پوشیده نیست. اگر حتی افراسیاب را فردی مطلقاً نیک در نظر بگیریم، بازهم تنها کشتن به‌ناحق سیاوش برای ایرانیان کافی است تا همواره او را مذمت کنند. هرآن چه در خلال سال‌ها دشمنی و درگیری میان ایران و توران به دستور افراسیاب صورت گرفت، عمدتاً اقداماتی شروانه و ددمنشانه بوده است.

شده خشک خاک و گیا را دهان

همان بد که تنگی بد اندر جهان

همی برکشیدند نان با درم

نیامد همی ز آسمان باد و نم

(فردوسی، ۱۳۴۰-۱۳۵۰، ج. ۲، ص. ۴۴)

این در حالی است که یاحقی در کتاب فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی این‌گونه آورده است که «افراسیاب جوی‌ها ایجاد کرد و هزار چشمه آب و هفت رودخانه قابل کشتیرانی را به‌سوی دریاچه هامون روانه ساخت»^۱ (یاحقی، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۶).

افراسیاب در شاهنامه، چهره‌ای صد در صد بدنام و ملعون نیست و همواره کمی از صفات پهلوانی نیز برخوردار است. دوران پادشاهی او با همه تلخی‌ها، سودهایی هم برای ایران داشت. از جمله:

– **کشتن زنگیاب:** در زامیاد یشت^۲ افراسیاب به سبب کشتن زنگیاب دروغ‌گو یک‌مرتبه صاحب فرّ می‌شود:

در کرده پانزدهم، فقره ۹۳ از این یشت چنین آمده است:

۹۱- فرّ کیانی مزدا آفریده را می‌ستاییم...

۹۳- که افراسیاب تورانی در اختیار داشت، هنگامی که زنگیاب دروند کشته شد (نجاری، ۱۳۷۷، ص. ۷۹).

زنگیاب مذکور، در بندهشن ایرانی بانام زین‌گاو، مردی است تازی که در زمان گرفتاری کاووس در هاماوران بر ایران تسلط می‌یابد و افراسیاب به خواهش ایرانیان او را می‌کشد.

اما در بندهشن، «یکی که (او را) زین‌گاو خوانند که زهر به چشم‌داشت، از تازیان به شاهی ایرانشهر آمد. به هر که به بدچشمی نگریست، کشته شد. ایرانیان افراسیاب را به خواهش خواستند تا (باز) گشت و آن زین‌گاو را کشت و (خود) شاهی ایرانشهر کرد. بس مردم را از ایرانشهر برد و به ترکستان نشاست» (بهار، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۰).

این داستان در شاهنامه به صورت شکست تازیان از افراسیاب به هنگام زندانی بودن کاووس در هاماوران و آشفتگی کار ایران، دیده می‌شود و افراسیاب هم یک‌بار در شاهنامه به «فرهمند» بودن خویش اشاره کرده است (آیدنلو، ۱۳۸۲، ص. ۲۴):

مرا دانش ایزدی هست و فر همان یاورم ایزد دادگر

(فردوسی، ۱۳۴۰-۱۳۵۰، ج. ۵، ص. ۳۰۵)

^۱ لازم به ذکر است که نگارندگان تنها در این منبع با این موضوع مواجه شدند، اما از آنجاکه تلاش بر آن بوده که، تمامی اشارات به اقدامات شخصیت‌های مذکور در این پژوهش بررسی شود، در این بخش به این موضوع اشاره شد.

^۲ زامیاد یشت تاریخچه فرّ کیانی است. البته نظر به اسم این یشت، تصور بر این است که صحبت بر سر ایزد زمین باشد که البته این‌طور نیست.

در آیین ایران باستان فرّ دارای اهمیتی ویژه بوده و آن عبارت از فروغ، شکوه و بزرگی و اقتدار مخصوصی بوده که از سوی اهوره‌مزدا به پیامبر و کیان و پادشاهان بخشیده می‌شود (نجاری، ۱۳۷۷، ص. ۱۴).

- **احداث شهر:** در متن پهلوی *شهرستان‌های ایران* که موضوع آن جغرافیای تاریخی شهرهای ایران است، نام صد و ده شهر به همراه اشاره به بنیان‌گذار آنها که بیشترشان شاهان ساسانی بوده‌اند، آورده شده است. دربندهای ۳۸ و ۵۸ این متن، به معرفی دو شهر که به دست افراسیاب تورانی ساخته و بناشده می‌پردازد:

بند ۳۸: شهرستان زرنگ را نخست افراسیاب گجسته تورانی ساخت (گشتاسب و حاجی‌پور، ۱۳۹۸).
بند ۵۸: در ناحیه آذربایجان، شهرستان گنجه را افراسیاب تورانی ساخت (گشتاسب و حاجی‌پور، ۱۳۹۸).

- **جانشینی دیو خشم:** در پرسش ۲۶ مینوی خرد، دانا از مینوی خرد در مورد علت کامکاری مردمان در زمان کیومرث و هوشنگ تا زمان گشتاسب شاه می‌پرسد، و این‌که چرا با وجودی که بیشتر کسانی بودند که نسبت به ایزدان ناسپاس بودند، از نیکی بیشتر بهره بردند؟ و این‌که هر یک از ایشان برای چه نیکی آفریده شده‌اند؟

مینوی خرد در پاسخ به تقدیر و زمانه و بخت مقدر در کار جهان اشاره می‌کند. در ادامه یکایک به بررسی مهم‌ترین سودآوری کسان در این برهه زمانی با ذکر نام تک‌تک آنها می‌پردازد. در بند ۳۴ تا ۳۷ این پرسش سود افراسیاب و ضحاک را برمی‌شمارد و می‌گوید:

۳۴- و از ضحاک بیوراسب و افراسیاب تور ملعون این سود بود ۳۵- که اگر فرمانروایی به بیوراسب و افراسیاب نرسیده بود، آنگاه گنامینوی ملعون (=هریمن) آن فرمانروایی را به دیو «خشم» داده بود، ۳۶- و اگر به خشم رسیده بود تا رستاخیز و تن پسین بازستدن آن از او ممکن نمی‌شد، ۳۷- زیرا که خشم صورت مجسم ندارد (تفضلی، ۱۳۹۸، ص. ۴۵).

خشم به‌عنوان عملی اهریمنی و غیرانسانی در شاهنامه فردوسی این‌گونه معرفی می‌شود:

به مردی زدل دور کن خشم و کین جهان را به چشم جوانی مبین
(فردوسی، ۱۳۴۰-۱۳۵۰، ج. ۶، ص. ۲۴۲)

دگر دیو کین است پرخشم و جوش ز مردم بتابد گه خشم، هوش
(فردوسی، ۱۳۴۰-۱۳۵۰، ج. ۸، ص. ۱۹۶)

- **پناه دادن به سیاوش در شاهنامه:** از دیگر خدمات افراسیاب می‌توان به پناه دادن سیاوش اشاره نمود. در متن کتاب بندهشن این‌گونه آمده است: «(باری) دیگر افراسیاب کوشید، کی سیاوش به کارزار آمد. به بهانه سودابه- که زن کاووس سودابه بود- سیاوش به ایرانشهر باز نشد. بدین روی که افراسیاب زینهار (آوردن سیاوش) به وی را پذیرفته بود، (سیاوش) به کاووس نیامد،

خدمات مردان اتیرانی تورانی به ایرانیان بر مبنای شاهنامه و متون باستانی ایران ۱۸۳

بلکه خود به ترکستان شد. دُخت افراسیاب را به زنی گرفت، کیخسرو از او زاده شد» (بهار، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۰).

افراسیاب که دو تراژدی ناکام فرزندکشی (فرنگیس و کیخسرو) و نیز برادرکشی (اگریرث) را در کارنامه خود دارد، سرانجام به دست نوه خود کیخسرو کشته می‌شود و این تراژدی با پدرکشی به پایان می‌رسد (اکبری و ذبیح‌نیا عمران، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۷).

ب) **اگریرث**: از میان تورانیان نخستین کسی که در روایت ملی ما از آن به زشتی نام برده‌اند و او را با خوی اهریمنی دمساز نشمرده‌اند «اگریرث» است؛ جوانی باتدبیر و عاقل که مظلومیت او در برابر اهریمنان و عناصر نابکار در شاهنامه متجلی است.

یوستی اگریرث را این‌گونه معرفی می‌کند: «اگریرث، برادر افراسیاب، پهلوی: اگریرد (Ayērad) که گوپدشاه نیز نامیده می‌شود. پسر پشنگ و فرمانده افراسیاب. با نام دیگر آگریر و باصفت نرو (دلیر) می‌آید» (Justi, 1895, p. 6)، نیز، «گوپدشاه با نام دیگر اگریرث، برادر افراسیاب که در منطقه‌ای از میان ترکستان و چین تا غرب حکومت دارد. در مینوی خرد او یک گاو-مرد است که با ریختن زوهر به آب خرفستران را از میان می‌برد» (Justi, 1895, p. 117).

در فروردین یشت/وستا کرده ۱۳۱ فروهر پاک‌دین اگریرث دلیر ستوده شده است (پورداود، ۱۳۹۴، ص. ۵۱۲).

در درواسپ^۱ یشت هفت تن از نامداران از فرشته مذکور برای غلبه کردن به هم‌آوردان خویش یا برای موفقیت در امری بدو نماز می‌برند که یکی از آنها هوم است. در این یشت نیایش هوم این‌گونه آمده است: «هوم برای او فدیة آورد و از او این کامیابی را درخواست نمود که بتواند افراسیاب، مجرم تورانی را به زنجیر کشد، به نزد کیخسرو آورد تا کیخسرو انتقام خون سیاوش و اگریرث دلیر را از او بستاند» (پورداود، ۱۳۹۴، ص. ۲۸۸).

در بندهشن اگریرث را در ردیف جاودانان زرتشتی نامیده‌اند. در بخش بیستم این متن درباره تخمه و پیوند کیان آمده است: «افراسیاب و گرسیوز (که او را کیدان خوانند) و اگریرث هر سه برادر بودند، از اگریرث گوید شاه زاده شد. هنگامی که افراسیاب منوچهر را با ایرانیان در کوه

^۱ درواسپ (uvpprā) به معنی دارنده اسبان تندرست است. از ایزدان حامی چهارپایان و به‌خصوص اسبان است که ارتباط نزدیکی با گوسورون دارد. یشت نهم که مخصوص ایزد گوسورون و چهارپایان است، سراسر در ستایش درواسپ است و او که رمه‌های گاو و نیز کودکان را تندرستی می‌بخشد، اسب و گردونه دارد و نگاهبان چهارپایان است نیایش می‌شود. او را ایزد بانو فرض کرده‌اند (آموزگار، ۱۳۹۷، ص ۳۸).

پدشخوارگر کوهتار (āāāāā) ^۱ کرد و سیج و تنگی (eeč) برهشت، اغریث از ایزدان آیفست خواست و آن نیکی یافت که آن سپاه و گند ایرانیان را از آن سختی رهایی داد. افراسیاب بدان بهانه اغریث را کشت». در فصل ۳۰ فقره ۱۷ بندهشن، اغریث از پانزده تن مردی است که از یاران «سوشیانت» شمرده می‌شوند. دوستان و یاران سوشیانت جاودان‌هایی‌اند که در روز واپسین برخاسته و سوشیانت را در کارِ نو نمودن جهان و تازه ساختن گیتی یاری خواهند کرد (بهار، ۱۴۰۰، ص. ۱۵۰).

در پرسش ۶۱ از کتاب *مینوی خرد*، دانا از مینوی خرد جای کنگ‌دز، و رجمگرد، تن سام، اقامت سروش، خر ۳ پا، هوم، گوبدشاه ^۲ و ... را می‌پرسد. مینوی خرد در بند ۳۱ این پرسش پاسخ می‌دهد که گوبد شاه در ایرانویچ در کشور خنیره (خونیرس) است. از پای تا نیم تن گاو ^۳ و از نیم تن تا بالا انسان است؛ و همواره در ساحل می‌نشیند و پرستش ایزدان می‌کند و زوهر به دریا می‌ریزد؛ و به علت آن زوهر ریختن او حیوانات مودی بی‌شماری در دریا می‌میرند. چه گر خدای ناکرده آن مراسم یزش را نکند و آن زوهر به دریا نریزد تا آن حیوانات مودی بی‌شمار نابود شوند، پس هنگامی که باران ببارد، حیوانات مودی مانند باران فروبارند (تفضلی، ۱۳۹۸، ص. ۶۹).

روایت این داستان در منابع دیگر چنین آمده است:

«منوچهر شاه در می‌گذرد و پشنگ افراسیاب را به قصد کین خواهی تور از ایرانیان به جنگ با شاه نوذر تحریک می‌کند و نوذر اعلام آمادگی نبرد می‌کند. در این جنگ، در ابتدا که زال مشغول خاکسپاری پدرش سام است، چیرگی با سپاه افراسیاب است به طوری که نوذر و بسیاری از بزرگان ایران را سپاه توران به اسارت می‌گیرد. افراسیاب قصد کشتن نوذر و اسیران را دارد. اما اغریث او را از این کشتن منع می‌کند و از او می‌خواهد که آنان را هم چنان در بند نگه دارد و مراقبت از ایشان را به وی بسپارد. افراسیاب با نظر برادر موافقت می‌کند. اما آنگاه که اغریث با آمدن زال عقب نشینی می‌کند و اسرا را در آنجا رها می‌کند تا زال آنان را آزاد کند، افراسیاب چنان خشمگین می‌شود که شمشیر می‌کشد و برادر را از میان به دو نیم می‌کند» (دبیرسیاقی، ۱۳۸۷، ص. ۵۳).

در *شاهنامه*، در طی داستان افراسیاب اغلب از دو برادرش اغریث و گرسیوز یاد شده است، اغریث

^۱ تاراندۀ شده در کوه، فراری در کوه.

^۲ dō bdd پسر اغریث است. جزء اول نام او gava است که نام منطقه‌ای در سرزمین سغد است؛ بنابراین نام وی به معنای "حاکم گو" است. بعداً کلمه را بسیط گمان کرده و شاه را بدان افزوده‌اند (Tafazzoli. 2018. p. 69).

^۳ در اساطیر ایرانی گاو به سبب فراوانی که برای آدمیان دارد، از توت‌های بسیار مهم است و اساطیر متعددی پیرامون آن شکل گرفته است (Tafazzoli. 2018. p. 81).

خدمات مردان اتیرانی تورانی به ایرانیان بر مبنای شاهنامه و متون باستانی ایران ۱۸۵

به قول شاهنامه سپهدار لشکر توران بوده و نسبت به ایرانیان محبتی داشته است. ناموران سپاه ایران که پس از شکست نوذر اسیر و گرفتار افراسیاب شده بودند، به واسطه اغریث آزادی یافته‌اند، اما خود اغریث به این جرم به حکم افراسیاب کشته شد (پورداود، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۱). در رابطه با این داستان روایت شاهنامه از کشته‌شدن اغریث به دست افراسیاب می‌گوید:

سپهد برآشفت چون پیل مست به پاسخ به شمشیر یازید دست
میان برادر به دونیم کرد چنان سنگدل ناهشیوار مرد
(فردوسی، ۱۳۴۰-۱۳۵۰، ج. ۲، ص. ۴۲).

سرانجام کین خواه اغریث از نژاد قاتل او برمی‌خیزد. کیخسرو پسر سیاوش و نوه دختری افراسیاب یعنی فرنگیس است (قائمی، ۱۳۸۹، ص. ۸۲).

(ج) **پیران ویسه:** پیران نواده تور، خویش افراسیاب و خود فرمانروای سرزمین ختن است. پدرش ویسه، سپهسالار پشنگ و افراسیاب بوده و پیران پس از مرگ پدر، جانشین او می‌شود. اشاره‌های هومان برادر پیران و نیز خود پیران در رابطه با این مطلب:
من از تخمه تور تورانشهم به گوهر مگر با تو خود هم‌رهم^۱
و نیز:

مرا نیز خویشی است با او به خون همش پهلوانم همش رهنمون
(فردوسی، ۱۳۴۰-۱۳۵۰، ج. ۳، ص. ۸۱)

در مقدمه شاهنامه/بومنسوری درباره پیران چنین آمده است: «پیران پسر ویسه بود، ویسه پسر زادشم، پسر کهن بود، زادشم پسر تور و تور پسر آفریدون» (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۹، ص. ۲۵۲). یوستی پیران را شاهزاده ختن، فرمانده افراسیاب که به دست گودرز کشته شد، دانسته است (Justi, 1895, p. 252).

پیران در میان پهلوانان تورانی، تنها کسی است که از جهت صفات اخلاقی، هم‌تراز شخصیت‌های برجسته ایرانی است. او همواره در تلاش برای تفاهم و همدلی ایرانیان و تورانیان در راه صلح بود و در اغلب نبردهای میان این دو سرزمین، در نهایت خرد و مردانگی حضوری فعال داشت. در متون کهن ایرانی، پیران و اغریث، تنها بزرگان تورانی‌اند که نکوهش نشده‌اند. «پیران در ماجرای نجات سیاوش، کیخسرو و نیز بیژن از مؤثرترین افراد بوده است» (بیرانوند، ۱۴۰۰، صص. ۵۲-۵۳).

^۱ این بیت در متن بروخیم است (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۹، ص. ۲۵۲).

«ورود اصلی پیران به صحنه شاهنامه هنگامی است که سیاوش به توران پناه می‌برد. هم اوست که افراسیاب را به پناه دادن به سیاوش تشویق می‌کند. به امید این که با آمدن سیاوش به توران، دشمنی دیرینه‌ای که از زمان قتل ایرج بین این دو سرزمین برانگیخته شده بوده، فرونشیند» (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۹، ص. ۲۵۲).

«سیاوش در توران پناهی می‌یابد و پس از اندک زمانی، دختر پیران را به همسری برمی‌گزیند. چندی بعد پیران، ازدواج با فرنگیس، دختر افراسیاب را به سیاوش توصیه می‌کند و خودش نیز اجازه این ازدواج را از افراسیاب خواستار می‌شود» (خالقی مطلق، ۱۳۹۵، ص. ۵۴).

ادامه داستان ماجراهایی است که به کینه و حسادت ورزی گرسیوز (برادر افراسیاب) به سیاوش می‌رسد و دامی که برای او می‌اندازد. با این تهمت به سیاوش که او خائن است و با مراوده با ایران قصد تباهی افراسیاب و توران را دارد. سرانجام سیاوش بی‌گناه را به دام مرگ می‌کشاند. حال سیاوش کشته شده و افراسیاب فرمان داده که جنین فرنگیس را ساقط کنند. در اینجا پیران سررسیده و باتدبیری که می‌اندیشد، جان فرنگیس و کودک را می‌رهاند.

ماجرای بیژن مرتبه سومی است که پیران فریادرس ایران و ایرانی است. در رابطه با پیران و نقش او در این ماجرا در روایات آمده: هنگامی که زمان دار زدن بیژن فرارسید، پیران با شنیدن خبر نزد افراسیاب آمده و از سیاوش و بی‌گناهی او یاد کرد. از این که تلاش کرد تا شهریار را از کشتن سیاوش منصرف کند ولی موفق نشده بود و اکنون شاه با دادن حکم اعدام برای بیژن کینه‌ای جدید بر دل گیو و ایرانیان می‌نشاند و جنگی دگر به پای می‌کند. در پی تلاش پیران، افراسیاب حکم بیژن را از مجازات مرگ به زندان تقلیل دهد و به این ترتیب پیران در نجات جان یک ایرانی دیگر مؤثر می‌شود.

پیران با آن که با ممانعت از کشتن کیخسرو و فرار او به ایران، خطری بزرگ برای توران فراهم آورده، ذره‌ای از اعتبار و منزلتش در نزد هم‌وطنانش کاسته نشد. وی تا آخرین لحظه عمر، شخص دوم توران بعد از افراسیاب باقی ماند (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۹، ص. ۲۷۰).

د) **گرگسار**: بنا به نظر یوستی: «گرگسار، تورانی که اسفندیار او را گرفتار کرد و به عنوان راهنما از او برای رسیدن به رویین دژ استفاده نمود. به سان گرگ» (Justi, 1895, p. 122).

در چند داستان از داستان‌های شاهنامه شاهدیم که قهرمانان از راهنمایی بهره می‌گیرند. در این داستان‌ها استفاده از علم و اطلاع راهنمایان، قهرمانان را به هدف می‌رساند. در هفت‌خان‌های رستم و اسفندیار نیز می‌بینیم رستم از راهنمایی اولاد و اسفندیار از راهنمایی گرگسار بهره

می‌گیرند و سرانجام پیروزمندانه از خان‌های شگفت و هولناک می‌گذرند. گرسار از پهلوانان تورانی بود که در سپاه ارجاسب شمشیر می‌زد. در دوران پادشاهی گشتاسب بر ایران زمین، عمده جنگ‌ها میان ایران و توران صورت گرفت که طی مراحل مختلفی انجام شد. در یکی از این نبردها گرسار به اسارت ایران درآمده و به عنوان راهنما برای دستیابی اسفندیار به گنگ دژ گماشته می‌شود. در طی مراحل این هفت‌خان، اسفندیار در هر مرحله به گرسار شراب می‌نوشاند تا او زبان به راست‌گویی گشاده و راه درست را نشان دهد.

این در حالی است که با وجود تمام تلاش‌ها برای دستیابی به اطلاعات دقیق و درست، بازهم گرسار بعد از خان برف، دروغ‌زنی می‌کند. او به اسفندیار می‌گوید که خان بعدی بیابان خشک و بی‌آب و علف است و چندان از خشکی راه سخن می‌گوید که شاهزاده دستور می‌دهد برای گذار از آن بیابان مشک‌ها را از آب پر کنند و ابزارهای سنگین را فروگذارند و به جای آن مشک‌ها را بر بارگی‌ها بنهند. پس از گذشتن از خان برف، درست هنگامی که انتظار می‌رود که با بیابانی خشک مواجه شوند، دریا را رویاروی خود می‌بینند؛ اما در اینجا اسفندیار همچنان برای عبور از آن دریا به کمک گرسار محتاج است. پس با او از در نرمی درآمده و نوید سپهبدی رویین دژ را به او می‌دهد. پس از عبور از آب اسفندیار سزای دروغ‌گویی راهنما را به او می‌دهد (سرامی، ۱۳۶۸، صص. ۷۳۲، ۷۵۴).

ه) راهنمای ترک تبار گیو: پس از کشته شدن سیاوش و ماجراهایی که در توران در جهت حفظ جان کیخسرو روی داد، شبی گودرز در خواب می‌بیند که به او مژده داده می‌شود که شاه بعدی ایران زمین در سرزمینی دوردست از خون سیاوش متولد شده است و گیو دلاور کسی است که می‌بایست به جست‌وجوی او رفته، او را بیابد و به ایران بازگرداند.

گودرز شرح خواب با پسر گفته و او را مأمور این مهم می‌کند. گیو از پدر خداحافظی کرده و عزم سفری جست‌وجوگرانه می‌کند. پس از هفت سال گشتن، به طور تصادفی با کیخسرو روبرو شده و پس از شناختنش او را به همراه مادرش فرنگیس به ایران باز می‌گرداند. گیو به هنگامی که در توران در جست‌وجوی کیخسرو است، ترکی را رهنمون خویش می‌کند؛ اما آمده است که گیو راهنمای ترک خویش را تنها به دلیل این که راز کارش را فاش نسازد، می‌کشد (سرامی، ۱۳۶۸، ص. ۴۵۹).

درواقع گیو مجبور به این کار بود. چراکه در غیر این صورت ممکن بود در پی برملا شدن این راز که پهلوانی از ایران زمین در پی کیخسرو آمده و او را می‌جوید، پادشاهی ایران و جان ایرانیان به خطر افتد. از این راهنما نام و نشان دقیقی در دست نیست، اما او نیز یک انیرانی خدمت رسان

است.

۴. نتیجه‌گیری

اخلاق در ژرف‌ترین بخش نهاد انسانیت ریشه دارد. تضعیف اخلاق بنیان‌های جامعه را فرو می‌ریزد، درحالی‌که تقویت آن، همین بنیان‌ها را استحکام می‌بخشد. انسانیت انسان به اخلاق اوست و ناب‌ترین تجلی انسانیت هم اخلاق است. پهلوانان و قهرمانان اسطوره‌ای مانند انسان‌های دیگر بر روی زمین زندگی می‌کرده‌اند، اما آنچه موجب ترفیع آنها شده، سلوک اخلاقی آنان است. اینها در واقع نماینده خدایان بر روی زمین‌اند. اینها کسانی‌اند که در نزاع میان خیر و شر، خیر را برگزیده و به جد در این مسیر کوشیده‌اند.

شاهنامه فردوسی که در فرهنگ کهن و گسترده ایران ریشه دارد، سرشار از مبانی دینی، اخلاقی و تربیتی است. در این کتاب قهرمانانی برای شناخت شایسته‌نشیست، گریز از بدی، روی آوردن به نیکی و درنهایت پیکار با پلیدی و نابکاری، برای به کرسی نشاندن راستی و راست‌کاری آفریده شده‌اند.

در اینجا به جمع‌بندی نتیجه داستان‌های شخصیت‌های یاری‌رسانی می‌پردازیم که پیش‌تر به تفکیک مورد بررسی قرار گرفتند. داستان شخصیت‌ها، علاوه بر وجود اشتراکات، تفاوت‌هایی را هم در برمی‌گیرد که باعث می‌شود نتوان آنها را صد درصد هم‌تراز با دیگر هم‌گروهانش قرارداد. ازجمله این تفاوت‌ها:

-اگریرث و پیران سراسر نیکی رساندند. اینان برای جاه و مال و مقام به ایران کمک نکردند، بلکه خدماتشان بر مبنای خرد و نیک‌خواهی‌شان بود. اینان با وجود عشق سرشار به وطن خویشتن در برابر بدی ایستادند؛ اگریرث در راه راستی جان بداد و پیران با اندیشه و منش نیک، راه را به سمتی رهنمون ساخت که آسیب کمتری به ایران برسد. او به جز ناکامی‌اش در نجات سیاوش، همواره مانع بروز شرهای بزرگ‌تری شد که دامان هر دو کشور را می‌گرفت.

-گرگسار و راهنمای ترک‌تبار گیو با وجود این که هر دو راهنمایی بودند که به اجبار به راهنمایی بیگانه گمارده شده بودند، اختلافاتی هم در داستان‌شان مشهود است. گرگسار در دست اسفندیار اسیر می‌شود و به اجبار تن به راهنمایی دشمن می‌دهد. در جایی دیگر از روایت به او وعده پادشاهی پس از عبور از خان هفتم داده می‌شود. اما در پایان گرگسار دروغ‌زنی می‌کند و سرانجام کشته می‌شود. راهنمای ترک گیو هم که نشان از کیخسرو می‌دهد، سرانجامش مرگ است. او جان خود را نه بر سر دروغ‌گویی که به خاطر پنهان ماندن راز گیو می‌دهد.

خدمات مردان انیرانی تورانی به ایرانیان برمبنای شاهنامه و متون باستانی ایران ۱۸۹

- افراسیاب؛ پادشاهی که کمتر شنونده‌ای شاید آشنا با کلامی باشد که به نیکی او اشاره می‌کند. کسی که اهریمن خو و بدطینت است و از انواع بدی‌ها دست فرو نمی‌گذارد. افراسیاب اقدامات مقطعی برای کمک به ایران کرد که البته انگیزه همان اقدامات هم همگی؛ سود خودش بودند. چرا که عمده آنها در زمانی صورت گرفته که پادشاه ایران دار فانی را وداع گفته و در جریانات جانشینی وی برای مدتی هرچند کوتاه، افراسیاب به سرزمین ایران دست یازیده است.

در پایان این بحث می‌توان گفت که هرچند در باب انیرانیانی که بررسی شدند، دلایلی چون دست‌یابی به مقام و ثروت، عشق و دلدادگی، در مواردی جبر و ترس از جان و گاهی منافع شخصی و حتی در افقی دورتر یاری‌رسانی ناخودآگاهانه (چون پادشاهی افراسیاب که منجر به جلوگیری از حکومت دیو خشم شد) به ایرانیان صورت گرفته بود، اما انگیزه نیک‌خواهی و تلاش برای قرار گرفتن در جبهه خیر، از اصلی‌ترین عوامل این خدمات و یاری‌رسانی‌هاست. اگر در میان شخصیت‌ها، یکی به موجب ترس از جان ایران را یاری رسانید، اغریث بی‌هیچ چشم‌داشتی به پادشاه، با علم به فرجام کارش، جان خود را در این راه گذاشت.

کتابنامه

- آموزگار، ژ. (۱۳۹۷). *تاریخ اساطیری ایران* (چ. ۱۸). سمت.
- آیدنلو، س. (۱۳۸۲). نشانه‌های سرشت اساطیری افراسیاب در شاهنامه. *پژوهش‌های ادبی*، ۲(۱)، ۷-۳۶.
- اسلامی ندوشن، م. ع. (۱۳۴۹). *زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- اکبری، م و ذبیح‌نیا عمران، آ. (۱۳۹۲). *تراژدی در اساطیر ایران و جهان*. سخن.
- بهار، م. (۱۳۹۰). *از اسطوره تا تاریخ* (گردآورنده و ویراستار ا. اسماعیل‌پور؛ چ. ۷). چشمه.
- بهار، م. (۱۳۹۷). *پژوهشی در اساطیر ایران* (ویراستار ک. مزداپور، چ. ۱۳). آگاه.
- بهار، م. (۱۴۰۰). *بندهش* (چ. ۷). توس.
- بیرانوند، ف. (۱۴۰۰). *ویژگی‌های شخصیت‌های پیر و جوان در شاهنامه فردوسی*. هاویر.
- پورداد، ا. (۱۳۹۴). *اوستا* (به کوشش ب. فره‌وشی). نگاه.
- تفضلی، ا. (۱۳۹۸). *مینوی خرد* (چ. ۷). توس.
- حسن دوست، م. (۱۳۹۴). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی* (ج. ۱). فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- خالقی مطلق، ج. (۱۳۹۵). *زنان در شاهنامه* (مترجم ا. بی‌نظیر). مروارید.
- دبیر، ر.، طبسی، ح. و رادفر، ا. (۱۴۰۱). *واکاوی فضایل و خصوصیات اخلاقی مشترک در شاهنامه و*

۱۹۰ دو فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

اوستا. جستارنامه ادبیات تطبیقی، ۶(۱۹)، بهار، ۱-۱۵.

دبیرسیاقی، م. (۱۳۸۷). برگردان روایت‌گونه شاهنامه فردوسی به نثر (چ. ۷). قطره.

سرامی، ق. (۱۳۶۸). از رنگ گل تا رنج خار: شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی).

سیدی فرخ، م. (۱۴۰۳). فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه. تهران: نشر نی.

فردوسی، ا. (۱۳۴۰-۱۳۵۰). شاهنامه (به کوشش ژ برتلس، ع. نوشین و دیگران) آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی.

قائم‌ی، ف. (۱۳۸۹). تحلیل داستان کیخسرو در شاهنامه بر اساس روش نقد اسطوره‌ای. پژوهش‌های ادبی، ۷(۲۷)، ۷۷-۱۰۰.

DOR: <http://dorl.net/dor/20.1001.1.17352932.1389.7.27.4.8>

گشتاسب، ف. و حاجی‌پور، ن. (۱۳۹۸). پایگاه دادگان پارسیگ. بازیابی در ۱۴۰۱/۱۰/۱۰، از

<https://www.parsigdatabase.com/surf/?lang=fa>

مزداپور، ک. (۱۳۸۷). اندرزنامه‌های ایرانی. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

مسکوب، ش. (۱۳۷۵). تن پهلوان و روان خردمند: پژوهش‌هایی تازه در شاهنامه. قیام.

مهبجوری، م.، استاجی، ا.، غلامی، ع.، و میرنژاد، س. ز. (۱۳۹۷). اندرزهای مینوی خرد و تأثیر آن بر شاهنامه فردوسی. متن‌شناسی ادب فارسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)، ۵۴(۳)، ۱۴۷-۱۶۴.

میرفخرایی، م. (۱۳۹۳). بررسی دینکرد ششم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نجاری، ح. (۱۳۷۹). بررسی زامیاد پشت، ترجمه، یادداشت‌ها و واژه‌نامه. دانشگاه شیراز.

یاحقی، م. ج. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. فرهنگ معاصر.

Akbari, M. & Zabihnia Omran, A. (2013). *Tragedy in Iranian and world mythologies*. Sokhan. [In Persian]

Amouzgar, J. (2018). *Iranian mythological history* (18th ed.). SAMT. [In Persian]

Aydenlou, S. (2003). The symbols of Afrasyab mythical nature in *Shahnameh*. *Literary Research*, 2(1), pp. 7-36. DOR: <http://dorl.net/dor/20.1001.1.17352932.1382.1.2.12.0> [In Persian]

Bahar, M. (2011). *From myth to history* (A. Esmailpour, Ed.; 7th ed.). Cheshmeh. [In Persian]

Bahar, M. (2018). *Research in Iranian mythology* (K. Mazdapour, Ed.; 13th ed.). Agah. [In Persian]

Bahar, M. (2021). *Bundaheshen* (7th ed.). Toos. [In Persian]

Bartholomae, C. (1961). *Altiranisches wörterbuch*. Berlin.

- Beyranvand, F. (2021). *Characteristics of old and young characters in Ferdowsi's Shahnameh*. Havir. [In Persian]
- Dabir, R., Tabasi, H., & Radfar, A. (2022). An analysis of shared moral virtues and ethical characteristics in the Shahnameh and the Avesta. *Comparative Literature Research Quarterly*, 6(19), Spring, 1–15. [In Persian]
- Dabir-Siyaghi, M. (2008). *Prose narrative translation of the Shahnameh*. Ghatre. [In Persian]
- Eslami Nadoshan, M.A. (1970). *Life and death of heroes in Shahnameh*. National Works Society. [In Persian]
- Ferdowsi, A. (1960–1971). *Shahnameh* (J. Bertels, A Noushin et al. Eds.). Academy of Sciences of the Soviet Union. [In Persian]
- Ghaemi, F. (2010). Analysis of the story of Keykhosrow in the *Shahnameh* based on mythological criticism. *Literary Research Quarterly*, 7(27). 77-100. DOR: <http://dorl.net/dor/20.1001.1.17352932.1389.7.27.4.8> [In Persian]
- Goshtasb, F. & Hajipour, N. (2019) *Parsigdatabase*. Retrieved December 31, 2022, From <https://www.parsigdatabase.com/surf/?lang=fa> [In Persian]
- Hasandoust, M. (2016). *Etymological dictionary of the Persian language* (Vol. 1). Academy of Persian Language and Literature, Publication Group of Works. [In Persian]
- Justi, F. (1895). *Iranisches namenbuch*. Marburg.
- Kent, R.G. (1950). *Old Persian, grammar, texts, glossary*. American Oriental Society.
- Khaleghi-Motlagh, J. (2015). *The portrayal of women in the Shahnameh*. Morvarid. [In Persian]
- MacKenzie, D. N. (1971). *A concise Pahlavi dictionary*. Oxford University Press.
- Mahjoori, M., Estaji, E., Gholami, A., & Mirnejad, S. Z. (2018). The admonitions of eee 0000 ii eee aad add rrrrr eeeeeeee nn Feooossss *Shahnameh. Persian Literature Textual Studies (Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan)*, 54(3), 147–164. [In Persian]
- Mazdapour, K. (2008). *Iranian admonishments*. Cultural Research. [In Persian]
- Meskoub, Sh. (1995). *The body of the hero and the wise mind*. Qiam. [In Persian]
- Mirfakhrayi, M. (2015). *Analysis of the Sixth Dinkard*. Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Najari, H. (1999). *Study of Zamyad Yasht manuscript, translation, notes, glossary*. Shiraz University. Ministry of Science, Research and Technology. [In Persian]
- Pourdavoud, E. (2015). *Avesta* (B. Farahvashi, Ed.). Negah. [In Persian]

- Sarami, Gh. (1989). *From flower color to thorn pain (Morphology of Shahnameh stories)*. Scientific and Cultural Publishing Company affiliated with the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Seidi-Farkhad, M. (2024). *The historical-geographical lexicon of the Shahnameh*. Ney. [in Persian]
- Tafazzoli, A. (2018). *Minu-e-Kherad* (7th ed.). Toos. [In Persian]
- Yahaghi, M. J. (2007). *Mythology and legends in Persian literature*. Farhang Mo'aser. [In Persian]

